

بررسی آموزه‌های مذهب شیعه در باغ‌شهرهای صفوی

مهدی حقیقت بین^{۱*}، مجتبی انصاری^۲، محمدرضا بمانیان^۳

^۱ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران

^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران

^۳ استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۰۵

چکیده

عصر صفوی را بدون شک باید از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ معماری و شهرسازی ایران دانست. لذا شایسته است از زوایای گوناگون، عواملی که در شکوفایی آن دخیل بوده‌اند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. مکتب اصفهان و آموزه‌هایش متأثر از حکمت عقلی شیعی شکل گرفت و از مهم‌ترین و مؤثرترین عواملی بود که باعث تشخص و پیشرفت هنر و معماری دوره صفوی نسبت به دیگر دوره‌ها شد. به واقع شیعه در دوره صفوی با حاکمیت شاهان صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع، از وضعیت پیشین خود رهایی یافت و در ایران از اقلیت به اکثریت تبدیل شد و در ایجاد گوناگون زندگی بویژه زندگی شهری ایرانیان تأثیر گذاشت. این مقاله در بخش نخست به بررسی باغ‌سازی ایرانی - اسلامی در دوره صفویه، با تأکید بر مطالعه عناصر اصلی سازنده و نقش آن‌ها در تعریف هویت کالبدی باغ، می‌پردازد. در بخش دیگر، ارتباط شهرسازی و باغ‌سازی در عصر صفوی و ظهور ایده باغ‌شهر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن تبیین می‌گردد. در ادامه، باغ‌شهر تاریخی اصفهان به عنوان معروف‌ترین و باشکوه‌ترین باغ‌شهر ساخته شده در عصر صفوی انتخاب و چگونگی استفاده از عناصر اصلی و نحوه منظرسازی باغ ایرانی در تعریف استخوان‌بندی و منظر این شهر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف این مقاله، بررسی ارتباط میان باورهای مذهبی شیعی و شکل‌گیری و ظهور ایده باغ‌شهر توسط صفویان در آن دوره است. برای این منظور، از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی استفاده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش کیفی و استنباطی است. در گردآوری مطالب از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از این مقاله نشان‌دهنده ارتباط میان ایده باغ‌شهر ایرانی در عصر صفوی با الگوی باغ ایرانی و جایگاه باورهای دینی - اسلامی و شیعی در شکل‌گیری آن است.

واژگان کلیدی: شیعه، صفویه، مکتب اصفهان، باغ‌شهر، اصفهان.

مذهب شیعه در پی جریان تاریخی سقیفه و شکل‌گیری خلافت عربی^۱، با تأیید بر حقانیت و پیروی از علی (ع) و اهل بیت او شکل گرفت و منادی رهبری نهضت عدالت‌خواهانه‌ای شد که در مقابل خلافت رسمی و اشرافیت عربی از خود واکنش نشان داد.

شیعه در لغت، از ماده «شیع» به معنای مشایعت و پیروی و شجاعت به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۱). معنای «شیعه» در قرآن کریم نیز به کار رفته است، چنانکه از حضرت ابراهیم (ع) به عنوان شیعه حضرت نوح (ع) یاد شده است: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ»؛ و از پیروان او ابراهیم بود (سوره صافات، آیه ۸۳). علامه طباطبایی می‌نویسد: «آغاز پیدایش شیعه را برای اولین بار - که به شیعه علی (ع) معروف شده است - همان زمان حیات پیغمبر اکرم (ص) باید دانست و جریان ظهور و پیشرفت دعوت اسلامی در طول ۲۳ سال زمان بعثت، موجبات زیادی را در بر داشت که طبعاً پیدایش چنین جمعیتی را در میان یاران پیامبر (ص) ایجاد می‌کرد» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ۴).

شیعه در عصر صفوی با حاکمیت شاهان صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع از وضعیت سابق رهایی یافت و در ایران از یک اقلیت به اکثریت تبدیل شد. تشکیل دولت نیرومند شیعی صفوی، پایگاه و پناهگاه مستحکمی برای مهاجرت علمای شیعه از دیگر نقاط مرکز تشیع به ایران گردید. ورود علمای مذهب تشیع به ایران و تجمع آن‌ها در مرکز قدرت صفوی (شهر اصفهان) و برخورد آن‌ها با روحانیت داخل کشور، مسایل جدیدی را در قلمرو اندیشه‌های سیاسی و مذهبی پدیدار ساخت (شیخ نوری، ۱۳۸۹: ۹) و زمینه‌های رشد حیات عقلی شیعی را فراهم آورد. اوج گرفتن حیات عقلی شیعی در عصر صفوی، ظهور مکتبی را در زمینه حکمت و فلسفه شیعه، به همراه داشت که به نام «مکتب الهی اصفهان» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۳۷۳) خوانده می‌شود. بدین ترتیب سومین مکتب اصلی فلسفه اسلامی در حکمت نظری بنیان‌گذاری شد.

حاکمان و پادشاهان صفوی به منظور ترویج و تبلیغ بیش‌تر مذهب شیعه، دستور ساخت مساجد و ابنیه‌های مذهبی بزرگ‌تری را، بر اساس مبانی اعتقادی شیعی در مملکت تحت حکومت خود، صادر نمودند. معماران شیعه مذهب نیز از اعتقادات خود به‌منظور ایجاد هویت ویژه برای مکان، سازمان‌دهی و قدسی کردن فضای معماری چون مساجد و باغ‌ها بهره بردند.

با امعان نظر به این نکته که در هنر، دو گونه نشانه (به معانی عام) و نشانه‌شناسی وجود دارد: نشانه‌ها و نشانه‌شناسی تصویری و آشکار که یا به مثابه عناصر ترکیب‌گر اثر هنری ظهور می‌کنند و یا به تنهایی بار محتوای نشانه را بر خود حمل می‌نمایند؛ و نشانه‌ها و نشانه‌شناسی معنوی، که باید آن‌ها را از فراسوی عناصر تصویری، که در ظاهر مفهومی غیر از خود دارند، باز شناخت (آیت الهی، ۱۳۸۵: ۹)، چنین به نظر می‌رسد که هنرمندان باغ‌ساز در ایران زمین در ادوار تاریخی بر آن بوده‌اند تا ضمن افزایش ارتباط انسان با طبیعت و جوانب عملکردی، از نشانه‌ها در جهت تقویت

بار معنایی مکان استفاده نمایند. از این حیث، ظهور اسلام و به دنبال آن تقویت مذهب شیعه در عصر صفوی را می‌توان از نقاط عطف مهم در این باره دانست.

باتوجه به جایگاه ویژه این مهم در معماری و باغ‌سازی عصر صفوی، این نوشتار به بررسی تأثیر آموزه‌های حکمت عقلی شیعی بر باغ‌سازی این عصر، با تأکید بر شکل‌گیری ایده باغ شهر می‌پردازد.

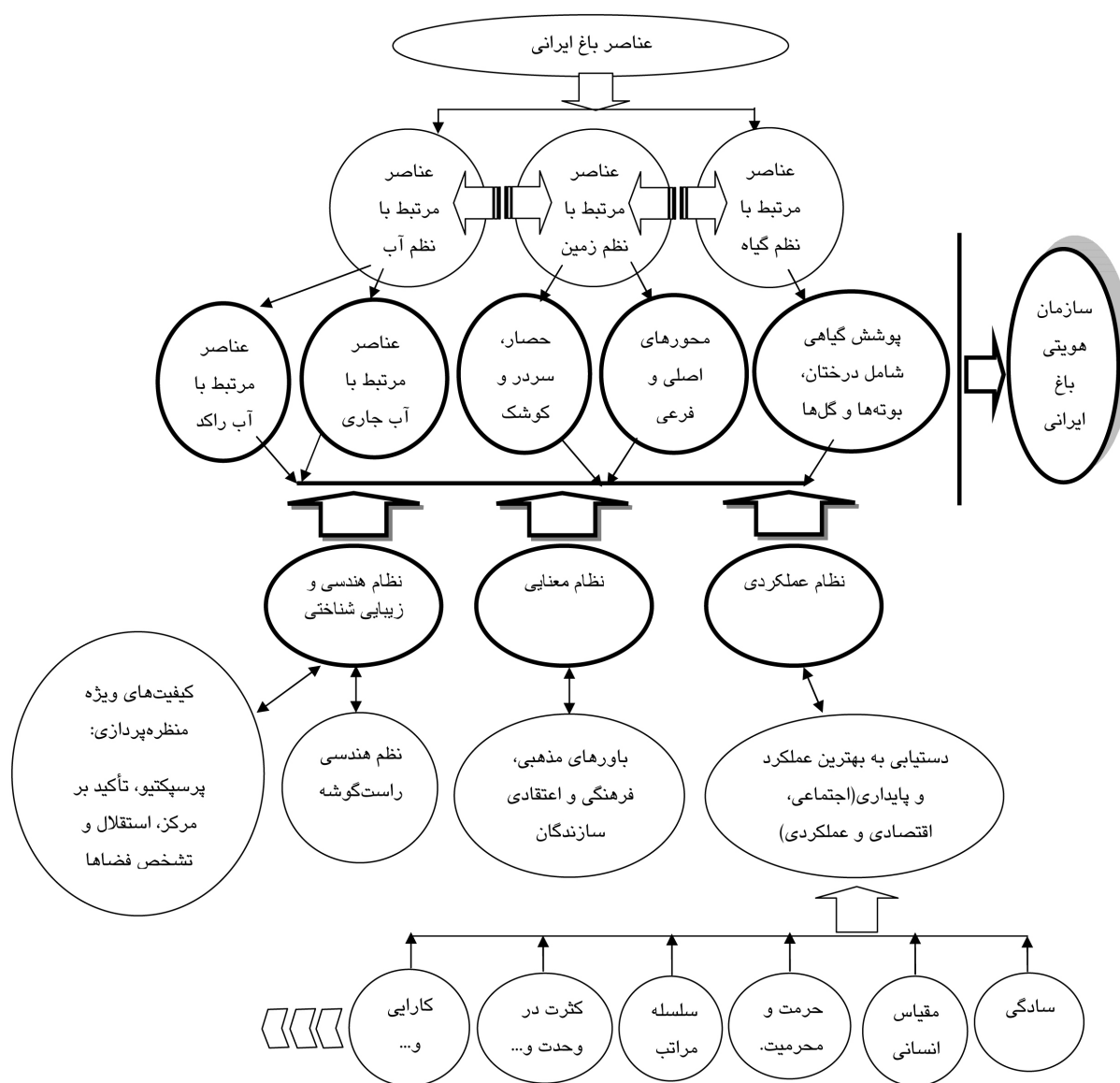
۱. باغ‌سازی ایرانی - اسلامی در دوره صفویه

عصر صفوی با تشکیل حکومت مرکزی قدرت‌مند و اعلام مذهب شیعه، به عنوان مذهب رسمی کشور، همراه بود. ظهور مذهب شیعه باعث تحولی عظیم در علوم عقلی و فلسفی گردید که تأثیر بسزایی در هنر و معماری عصر صفوی داشت. هم‌چنین امنیت و رونق به وجود آمده در دوره صفوی، زمینه مناسبی برای شکوفایی حیات عقلی شیعی فراهم نمود و باعث رشد هنر اسلامی - ایرانی در همه زمینه‌ها شد. در واقع این دوره «یکی از خلاق‌ترین ادوار هنر اسلامی و نیز فلسفه و متافیزیک اسلامی است» (نصر، ۱۳۷۵: ۱۶) باغ‌سازی سنتی ایرانی - اسلامی نیز در این دوران ارتباط نزدیکی با مذهب و حیات عقلی شیعی برقرار کرد. نمود بسیاری از آیات قرآن، سخنان پیامبر و ائمه اطهار و مفاهیم دینی را می‌توان در باغ‌سازی این دوره مشاهده نمود که به تفصیل در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

زبان و بیان هنر باغ‌سازی سنتی ایرانی - اسلامی شامل نمادها و سمبل‌هاست که در دوره صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همان روال که زبان عادی جزیی از دانش است که به میانجی عقل استدلالی و حواس به دست می‌آید، زبان نمادها مبین دانشی است که از راه عقل حاصل می‌گردد که همانا معرفت است. نمادها خود تجلیاتی از مطلق در مقیدات هستند (کرین، ۱۳۷۹: ۴۲).

عناصر اصلی سازنده باغ ایرانی به عنوان اصلی‌ترین نمادهای عینی به طور مستقیم و غیرمستقیم تضمین‌کننده عملکرد باغ به عنوان طبیعتی از پیش اندیشیده هستند. علاوه بر این که وجود نظام‌های عملکردی و معنایی و اصول خاص نظام‌دهنده مؤثر بر ساختار کالبدی و فضایی این عناصر، که تحت تأثیر باورهای اعتقادی و فرهنگی سازندگان بود، بخش عمده‌ای از هویت ویژه کالبدی باغ ایرانی را در اعصار مختلف تعریف نموده است (نمودار شماره ۱).

چنین به نظر می‌رسد که باغ‌سازی دوره صفوی نه تنها از این امر مستثنا نبود، بلکه به واسطه اصولی متأثر از مذهب و حیات عقلی شیعی هویتی ویژه یافت. این مهم در کنار مفهوم ذهنی باغ تمثیلی از بهشت اخروی، مهم‌ترین عاملی بود که در تعریف هویت ویژه برای باغ در دوره صفویه مؤثر افتاد. معماران مسلمان این دوره تلاش کرده بودند در طراحی باغ، تمامی ویژگی‌هایی بهشت اخروی قرآن را در باغ ایرانی تجسم بخشند و آن را به عنوان تمثیلی از بهشت اخروی طراحی و اجرا نمایند. در این باره آن‌ها از عناوینی مرتبط با بهشت^۲ در نام‌گذاری باغ‌ها استفاده نمودند و حتی «نام بهشت را بر باغ‌های مختلف» اطلاق کرده‌اند (ویلبر، ۱۳۸۵: ۴۱).



نمودار شماره ۱: هویت کالبدی باغ ایرانی (مقیاس کلان)

۲. ارتباط شهرسازی و باغ‌سازی در دوره صفوی

جهان‌بینی و نحوه نگرش به جهان، عامل اقتصادی و چگونگی تعریف مادی جهان، و عامل محیطی و اقلیمی، یا چگونگی تعریف زیست - محیطی جهان، عواملی هستند که به گونه‌ای زنجیروار به یکدیگر وابسته‌اند. از زمانی که بشر یک‌جانشین شد، دولت را سامان داد و شهر را بنا کرد و این عوامل تا به امروز، نقشی تعیین‌کننده‌ای در تعریف شهر داشته‌اند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۳-۴). چنین به نظر می‌رسد که شهرسازی دوره صفوی، به مانند باغ‌سازی و معماری، ارتباطی نزدیک با باورها و مفاهیم عقلی و عرفانی و جهان‌بینی شیعه برقرار نمود و متأثر از ظهور مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی این دوره شد. از این‌رو، شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان و به واقع بهشت روی زمین - جایگاهی در خور انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین - ترسیم گردید. در این باره، ایده باغ‌شهر، به عنوان گونه‌ای از باغ ایرانی، از سوی صفویان به منظور توسعه شهرهایی چون اصفهان مورد استفاده قرار گرفت.

۲-۱. ایده باغ‌شهر

باغ‌های ایرانی را به لحاظ نوع می‌توان به شانزده گونه^۴ تقسیم نمود که گونه‌ای از آن باغ‌شهر است. باغ‌شهرها، شهرهایی با تراکم جمعیت پایین و سطوح سبز زیاد هستند که از دیرباز در ایران وجود داشته و از قرن نوزدهم به عنوان شیوه‌ای از شهرسازی در اروپا مطرح شده است.^۵

خاستگاه شکل‌گیری باغ‌شهرها در دوره صفوی را باید از دو منظر معنا و کالبد بررسی کرد. از منظر معنا، در این دوره، خاستگاه شکل‌گیری مفهوم و ایده باغ‌شهر را باید در فرهنگ، فلسفه و عرفان شیعی و به‌خصوص ظهور مکتب اصفهان در هنرها جست، و از نظر کالبد، نیازهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در این باره مؤثر دانست. از این‌رو، در ادامه به بررسی ارکان مؤثر بر شکل‌گیری باغ‌شهرهای ایرانی - اسلامی در دوره صفوی (با تأکید بر شهر اصفهان) می‌پردازیم.

الف. تحول و توسعه از پیش‌طراحی شده فرهنگی

ظهور مفاهیم مادی و معنوی جدید در معماری و شهرسازی بومی

هر جامعه بدون زمینه‌سازی فرهنگی و خواست مردم، به عنوان سازندگان و استفاده‌کنندگان از شهر، امری بعید به نظر می‌رسد. توسعه فرهنگی در دوره صفوی با اعتقاد به باورهای مذهبی و معنوی (دستاوردهای بارز ادبیات، اخلاق، تعلیم و تربیت، فلسفه، عرفان و هنر) و همچنین توسعه فرهنگ مادی (علم، صنعت، تولید و تبادلات تجاری) در اجتماع پایتخت صفوی که شامل مردمان و طایفه‌های مختلف بود، حاصل موفقیت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی مسئولان در قالب حکومت مرکزی قدرت‌مند و اتحاد مردم تحت لوای مذهب شیعه بود (دوست ثانی، ۱۳۸۵: ۳۸۵).

ب. شکوفایی حیات عقلی شیعی

شکوفایی حیات عقلی شیعی (در عصر صفوی) به همراه امنیت، باعث رشد هنر اسلامی - ایرانی در همه زمینه‌ها از جمله معماری و شهرسازی شد. در شهرسازی ایده باغ‌شهر به عنوان مدلی به‌منظور توسعه شهر مطابق با جهان‌بینی شیعی و با تکیه بر مفاهیم عرفانی و نیز تکیه بر تعبیر و تفاسیر شریعت از نظریه مذهب شیعه شکل گرفت. «شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان و به واقع بهشت روی زمین - جایگاهی در خور انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین - ترسیم می‌شود» (حبیبی، ۱۳۸۶: ۵).

ج. دیدگاه‌های عملکردی، سیاسی و حکومتی صفویان

می‌توان از دیدگاه عملکردی، سیاسی و حکومتی آن دوره (از منظر مادی) خاستگاه شکل‌گیری باغ‌شهر را بررسی کرد. استقرار دائم و سریع و ایجاد هویت ویژه کالبدی و فضایی برای پایتخت امپراتوری صفوی، اهدافی سیاسی و حکومتی است که صفویان در استفاده از ایده باغ‌شهر دنبال می‌کردند. «مفاهیم فضا، قلمرو، و نظام تثوریک حکومت صفوی، در قالب ترکیب شهر با باغ‌های سلطنتی و معماری جمع شده و نمود یافته و بنابراین شکل باغ کلاسیک ایرانی به منزله ترجیع‌بندی در انتخاب پایتخت شاه عباس و نمای بخش جدید شهر است» (والچر، ۱۳۸۵: ۶۸۳).

د. باغ‌شهرهای تیموری

چنین به نظر می‌رسد که باغ‌شهرهای تیموری^۶ (هرات و سمرقند) نیز در طرح باغ‌شهرهای صفوی مؤثر بوده‌اند. یک قرن پس از سقوط تیموریان، شاه عباس دستور بازسازی اصفهان را با ساخت محله‌هایی خارج از شهر اصلی (مطابق با شیوه تیموریان در هرات و سمرقند) صادر کرد. شایان گفتن است شاه عباس در سال ۹۷۸ ه. ق در هرات به دنیا آمد و دوران کودکی خود را تا شروع سلطنت (۱۸ سالگی) در آن جا به سر برد (نقشه شماره ۱).

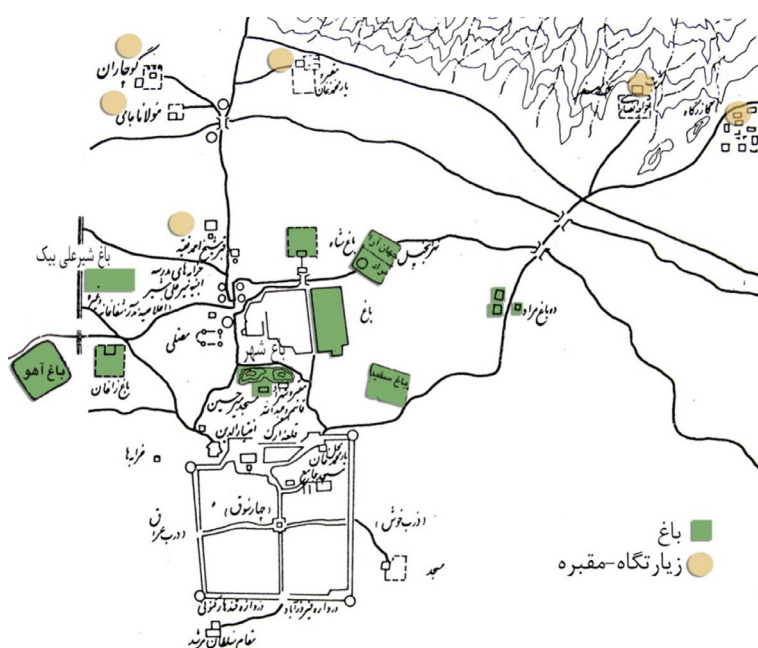
به احتمال زیاد شهر هرات، که مشتمل بر باغ‌های بسیار بود، در شکل‌گیری تفکر او از شهر ایده‌آل نقش اساسی داشت. شاه عباس احتمالاً هنگامی که دستور توسعه شهر اصفهان و احداث خیابان چهارباغ راه، با استفاده از الگوی باغ ایرانی داد، باغ‌شهر هرات را به عنوان الگوی ابتدایی در

ذهن داشت (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۰)، لیکن نظم و سازمان فضایی حاکم بر باغ‌شهر اصفهان، نظم هندسی و از پیش طراحی شده است، درحالی‌که نظم فضایی حاکم بر باغ‌شهرهای سمرقند (بخش داخل و پیرامونی حصار شهر) و هرات^۷ (بخش پیرامونی شهر) نظمی ارگانیک داشت و حاصل گذشت مدت زمانی طولانی و دوره‌های مختلف بود و با تأکید بر اهداف ارتباطی و منطبق بر هویت تاریخی آن شکل گرفته بود (حقیقت‌بین، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۲).

۲-۲. باغ‌شهرهای صفوی

بر اساس منابع تاریخی، معروف‌ترین و باشکوه‌ترین باغ‌شهر ساخته شده در عصر صفوی، شهر اصفهان است.

اصفهان در طول تاریخ، سه بار به عنوان پایتخت دولت‌های حاکم انتخاب شده است. اصفهان در دوره سلجوقیان و آل بویه به‌عنوان پایتخت، انتخاب و مقر اصلی حکومت آل بویه و سلجوقی گردید. بعد از سلجوقیان و حمله مغول، شهرنشینی رو به زوال رفت. دوره صفویان نقطه عطف دیگری در حیات شهری اصفهان بود. چنین به نظر می‌رسد که اصفهان قبل از تثبیت به عنوان پایتخت، مورد توجه شاه عباس بود. در این باره اسکندربیک منشی چنین می‌نویسد: «همیشه خاطر اشرف بدان متعلق بود که در آن بلده شریفه رحل اقامت انداخته. توجه خاطر به ترتیب و تعمیر آن مصروف دارند. لهذا در این سال که مطابق ست و الف هجری [۱۰۰۶] رأی جهان آرا بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور را [منظور اصفهان است] مقر دولت ابد مقرون ساخته، عمارت عالی طرح نمایند» (منشی، ۱۳۷۷: ۸۷۱). علت آن که شاه عباس بازسازی و نوسازی بسیاری در شهر انجام داده این است که در آن زمان «مرکز قدیمی فعالیت‌های روزمره و بازرگانی شهر به ویرانه و محله‌ای تماماً فقیرنشین تبدیل شده بود و بهترین کار آن بود که محله کوشک^۸ (نقشه شماره ۲) از کمربند سبز کم ازدحام از نو سامان دهی شود» (غلویم بیک، ۱۳۸۵: ۳۵).



نقشه شماره ۱: نقشه شهر هرات به همراه باغ‌ها و زیارت‌گاه‌های آن، مأخذ: نگارنده

جنت نشان(اصفهان) از استعداد مکان و آب رودخانه زاینده‌رود و جوی‌های کوثر مثال که از رودخانه مذکور منشعب گشته به هر طرف جاریست» (منشی، ۱۳۷۷: ۸۷۱). در تصویری که کمپفر از باغ‌های اطراف خیابان چهارباغ تجسم کرده و برای خواننده شرح داده، بر صورت بهشت‌گونه آن‌ها تأکید شده است: «... این باغ‌ها از نظر آن که با عمارات و قصور کوچک و دلربا، راهروهای پاکیزه، باغچه‌های شکوفان، بوته‌ها و گل‌های نادر دستچین و هم‌چنین انواع و اقسام آبیگرها و فواره‌ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد و قلم از وصف آن‌ها عاجز می‌ماند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

۱-۲-۲. هویت کالبدی باغ‌شهر اصفهان

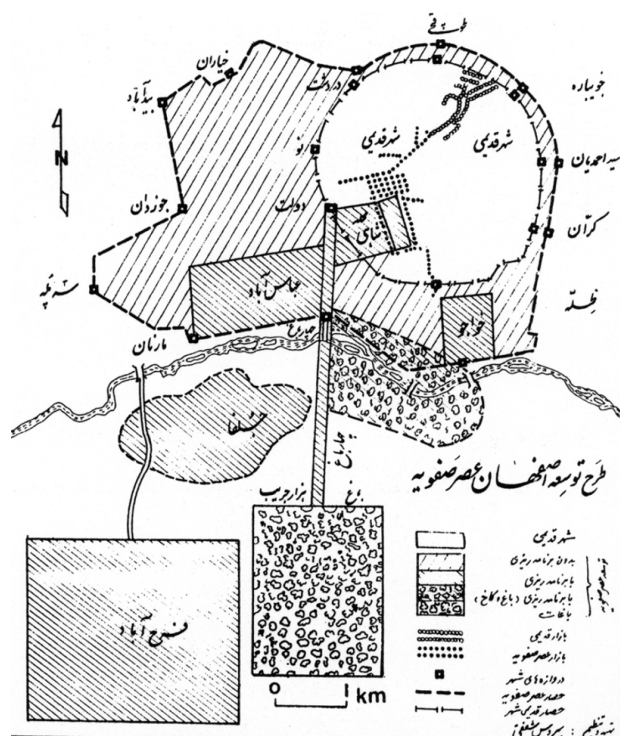
چنین به نظر می‌رسد که هویت کالبدی باغ‌شهر اصفهان به پیروی از باغ‌سازی ایرانی، نتیجه تعامل نظم آب، خاک و گیاه به همراه نظام معنایی، هندسی و زیبایی‌شناختی (سازمان‌دهی کالبدی و منظرسازی) و نظام عملکردی از مقیاس خرد (اجزای تشکیل‌دهنده) تا کلان است.

نظم آب: بنا بر شواهد تاریخی، در ساختار کالبدی باغ‌شهر اصفهان آب به دو صورت جاری و ساکن از عناصر اصلی طراحی و سازمان‌دهی بوده است. نظم ارگانیک آب در مقیاس کلان (کل باغ‌شهر) به‌وسیله رودخانه و انشعابات آن (مادی‌ها) تأمین می‌شده است. نظم آب در باغ‌شهر در مقیاس خرد از نظم هندسی پیروی می‌کند که در عناصر سازنده باغ‌شهر شامل باغ‌ها و مسیرهای دسترسی به دو صورت جاری و راكد قابل مشاهده بوده است.

نظم زمین: نظم زمین یعنی «استفاده از خصوصیات هندسه وضعی (توپوگرافیک) زمین و هماهنگ شدن با شیب و فراز آن به دو صورت استفاده از اختلاف ارتفاع در قسمت‌های مختلف زمین برای ایجاد فضا یا ایجاد سطوح و لایه‌های مختلف بر سطح زمین، مثلاً رفتن به سطح زیرزمین یا ایجاد سطح مصنوعی در ارتفاع» (اهری، ۱۳۸۵: ۵۱). نظم زمین با دو هدف عمده در باغ‌شهر اصفهان به کار رفته است، یکی در جهت تأمین پایداری (ماندگاری) مجموعه به‌وسیله تطابق دوسویه با نظم آب و دیگری در جهت فراهم نمودن چشم‌اندازهای مناسب.

نظم گیاه: نظم گیاه و حضور عناصر سبز و باغ‌ها در ساختار کالبدی فضاهای شهری، از مهم‌ترین عوامل تعریف‌کننده هویت بصری قسمت‌های جدید و تازه احداث شهر بود که گردشگران خارجی آن زمان به عنوان وجه تمایز بخش جدید و قدیم شهر بر آن تأکید کرده‌اند. نقش ویژه نظم گیاه در تجسم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان و تعریف هویت بصری باغ‌گونه شهر، موجب گردید این نظم از سوی سازندگان مورد توجه ویژه واقع شود و نظم آب و زمین در جهت پایداری و دوام آن مورد استفاده قرار گیرد. نظم گیاه در باغ‌شهر اصفهان در ارتباط مستقیم با نظم آب و زمین بوده است.

نظام معنایی: مؤثر در باغ‌شهر اصفهان در عصر صفوی با بهره‌گیری از نمادهای عام و خاص، در جهت تعریف حس مکان ویژه برای باغ‌شهر صفوی به عنوان تمثیلی از بهشت است. نمادهای



نقشه شماره ۲: شهر قدیمی و محله‌های جدید در طرح توسعه اصفهان دوره صفویه، مأخذ: شفق، ۱۳۸۱

باغ‌شهر اصفهان در دوره صفوی بنا بر نوشته‌های «پیتر دلاواله»^۹ سیاح زمان شاه عباس اول، به‌وسیله تقاطع عناصر اصلی نظام‌دهنده شهر (رودخانه و محور چهارباغ، مطابق با مدل باغ ایرانی) در عین پیوستگی به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شد که گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش‌های مجزا جای می‌داد.^{۱۰} چنین به نظر می‌رسد که دولت صفوی برای ایجاد شهر جدید ابتدا مکان (سایت) و ویژگی‌های شهر قدیم و عوامل بالقوه سایت، بویژه زاینده‌رود و باغ‌های باقی‌مانده از دوران قبل شناسایی کرد. سپس به عنوان بهترین و سریع‌ترین شیوه و مطابق با ویژگی‌های زندگی شهری در دوره تیموریان که احداث اقامتگاه‌ها و باغ‌های برون شهری بود، بدون ایجاد خرابی و آسیب، با ادغام شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاط‌های داخلی و میدان‌ها و باغ‌های متعددی ایجاد کرد و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغ‌شهر باعث نفوذ طبیعت به داخل شهر شد. علاوه بر این موارد که بیش‌تر نتیجه امنیت و توسعه فرهنگی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، به احتمال قریب به یقین استفاده از باغ‌ها و مدل باغ‌شهر برای توسعه شهر اصفهان، با جهان‌بینی شیعه و باورهای مذهبی صفویان، که خود را مدافع و مبلغ مذهب تشیع می‌دانستند، ارتباطی مستقیم دارد. در این باره آن‌ها از مدل باغ‌شهر با هدف تجسم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان استفاده کرده‌اند. در متون و نوشته‌های مختلف نیز صفویان به تصویر بهشت‌گونه شهر اصفهان اشاره نموده‌اند. اسکندر بیک منشی، ارتباط نهرهای آب جاری در شهر اصفهان را با نهرهای بهشتی چنین توصیف می‌کند: «خصوصیات آن بلده

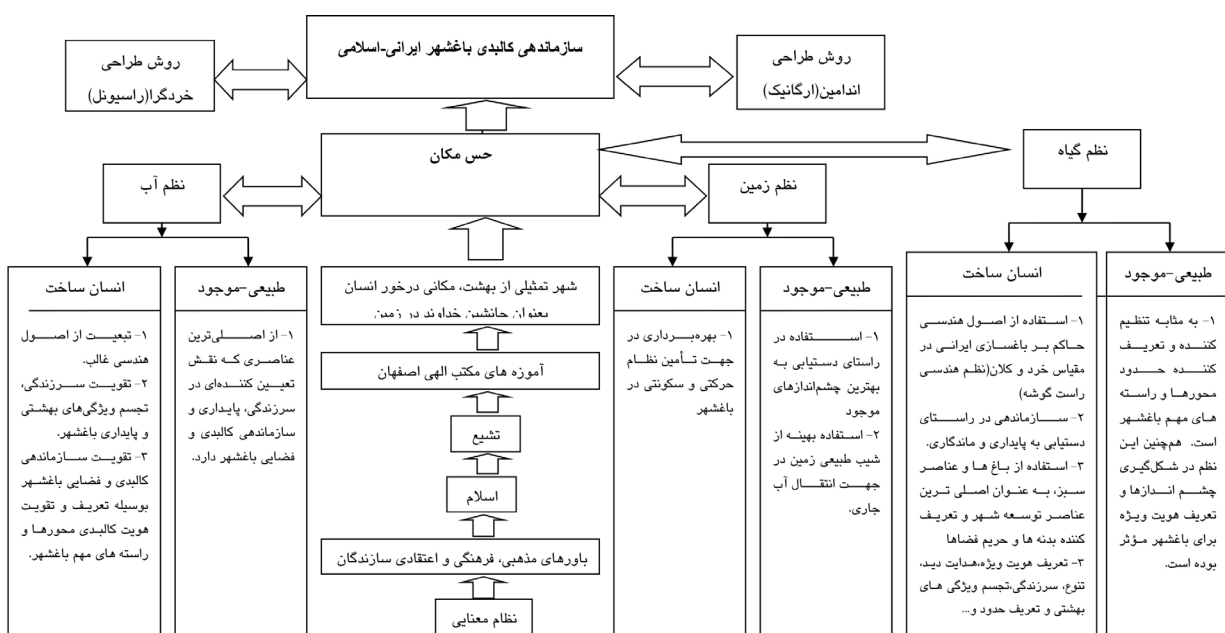
استفاده شده در باغ‌سازی ایرانی پس از اسلام و پیامد آن باغ‌شهر ایرانی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول نمادهای عام یا ظاهری (بصری) و دسته دوم نمادهای خاص (باطنی). عناصر مرتبط با نظام‌های خاک، آب و گیاه (نمودار شماره ۲) به واسطه پیروی از نوع خاصی از سازمان‌دهی کالبدی در باغ ایرانی (در مقیاس خرد و کلان)، نمادهای عام محسوب می‌شوند. نمادهای خاص ریشه در باورهای مذهبی و اعتقادی و جهان‌بینی سازندگان داشته و از این رو در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف به گونه‌های متنوعی استفاده شده‌اند و در تعریف نظام معنایی باغ ایرانی نقش بسزایی داشته‌اند.

در باغ‌شهر اصفهان از اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی که برگرفته از آموزه‌های عقلی مکتب اصفهان است، به همراه استفاده از باغ‌ها (به عنوان عناصر اصلی سازنده شهر) و منظرسازی فضاهای شهری (خیابان چهارباغ) به وسیله ردیف درختان (مطابق با اصول منظرسازی باغ ایرانی) به عنوان راه‌کاری عملی در جهت تعریف نظام معنایی ویژه برای این شهر استفاده شده که در متون باقی‌مانده از آن عصر نیز به گونه‌های مختلف بدان اشاره شده است. از این رو چنان که در بحث «ارتباط شهرسازی و باغ‌سازی در دوره صفویه» اشاره شد، چنین به نظر می‌رسد که در باغ‌شهر اصفهان باغ‌ها و منظرسازی ویژه به وسیله درختان و عناصر سبز نمادی خاص از بهشت و ویژگی‌های توصیف شده آن در قرآن مجید بوده است. اسکندر بیک منشی، مؤلف تاریخ عالم‌آرای عباسی، درباره آراسته شدن چهارباغ مطابق با انتظار پادشاه در سال ۱۰۲۵ هجری چنین نوشته است: «القصة هرکس از امرا و اعیان و سرکاران عمارات به وقوف معماران و مهندسان شروع در کار کرده ... عمارات باصفا و باغات دلگشا به نوعی که طرح کارخانه ابداع در عرصه ضمیر مبارک اشرف طرح افکنده بود، به حیز ظهور آمده در کمال لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت.

درختان سر به فلک افراشته و اشجار میوه‌دارش گویی به طوبی جنان پیوند دارد» (منشی، ۱۳۷۷: ۸۷۲).

در باغ‌شهر صفوی از سطوح آینه‌ای آب بسیار استفاده شده است. در باغ‌های این عصر حوض‌های وسیعی در مقابل کوشک اصلی باغ ایجاد شده که به نظر می‌رسد با هدف استفاده از سطح آینه‌ای آب به منظور نمایش کیفیت ظهور عناصر در عالم مثال بوده است؛ به طور مثال، کاخ چهل‌ستون با داشتن بیست ستون به این دلیل چهل‌ستون نامیده می‌شود که دارای بیست ستون در عالم مادی و بیست ستون در عالم مثال است. سطح شفاف، ساکن و لطیف آب در استخر مقابل کاخ وسیله‌ای برای نمایش ستون‌های کاخ در عالم مثال است. به علاوه در منظرشهری باغ‌شهر اصفهان، سطح آینه‌ای آب زاینده رود، به خصوص در جوار پل‌های اصلی شهر (سی و سه پل و پل خواجه) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تجسمی از عالم مثال محسوب می‌شود. در تفکر تشیع، عالم مثال از جایگاه والا و مهمی برخوردار است و عرفای شیعه، بیش از این که به عالم مادی توجه داشته باشند، به ماورای آن چه قابل لمس نیست، توجه نشان می‌دهند. عبدالرزاق لاهیجی ابزار ادراک موجودات مثالی را اجسام صیقله و شفافه این عالم مادی می‌داند: «و گاه باشد که موجود عالم مثال در این عالم مادی ظاهر شود و به حواس ظاهر ادراک آن تواند کرد. اجسام صیقله و شفافه این عالم مادی، مانند آینه و آب و هوا، مظهر موجودات عالم مثال باشند. و همچنین خیال انسان نیز مظهر آن شود و صورت آینه و صور خیالیه، همه از موجودات عالم مثال باشند که در مظهر آینه و خیال برای ما ظاهر شوند و کذلک الصور التي يراها الانسان في المنام» (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۶۰۶).

با توجه به این مطالب در باره نظام سه گانه آب، خاک و گیاه و هم‌چنین نظام معنایی مؤثر بر باغ‌شهر اصفهان، می‌توان مدل زیر را به عنوان چگونگی سازمان‌دهی کالبدی باغ‌شهر ایرانی - اسلامی، مطابق با مدل باغ‌شهر اصفهان در دوره صفویه ترسیم نمود.



نمودار شماره ۲: ساختار کالبدی - فضایی باغ‌شهر ایرانی - اسلامی

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

باغ‌شهر ایرانی، آرمان‌شهر سازندگان آن بوده و ریشه در باورهای اعتقادی آن‌ها داشته است. باغ و باغ‌سازی در دوره صفوی به واسطه ارتباط نزدیکی که با مذهب و حیات عقلی شیعی برقرار نمود، توانست نمود بسیاری از آیات قرآن، سخنان پیامبر و ائمه اطهار درباره بهشت باشد و از جایگاه ویژه‌ای در این عصر برخوردار شود. از این‌رو، چنین به نظر می‌رسد که حضور و تجسم باغ‌شهرهای ایرانی با محوریت شکل‌گیری براساس اصول کالبدی و معنایی باغ‌سازی ایرانی در عصر صفویه، به واقع با هدف تجسم شهر به عنوان سایه‌ای از بهشت در دنیای کنونی بوده است.

عالم مثال، یکی از ارکان تفکر فلسفی اصفهان و مذهب شیعه را تشکیل می‌دهد و مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی در صدد تحقق صورت مثالی و سرزمین خیال بر زمین بوده است. این همان هدفی است که هنرهای دیگر مانند نقاشی نیز در نگارگری مکتب اصفهان دنبال می‌کرد. نمودار زیر ارتباط ایده باغ‌شهرهای ایرانی در عصر صفوی با اصول طراحی و زیبایی‌شناختی باغ ایرانی و نقش باورهای دینی اسلامی و شیعی را در شکل‌گیری آن‌ها به نمایش می‌گذارد (نمودار شماره ۳).

شهرسازی دوره صفوی موفق شد با اتکا بر اصول مکتب اصفهان در شهرسازی و الگوی کالبدی و معنایی باغ ایرانی به صورت توأمان، به ابداع الگوی باغ‌شهر بپردازد. در الگوی باغ‌شهر، صفویان موفق شدند با تکیه بر بعضی مفاهیم مادی و معنوی، برگرفته از الگوی باغ ایرانی و باورهای مذهبی، مصادیق متفاوت و گوناگونی را با توجه به محیط، مکان و نظام طبیعی حاکم بر آن ایجاد نماید. به گونه‌ای که فضای انسان ساخت، در نظمی آهنگین و هم‌اوا با محیط و عناصر طبیعی و طبیعت انسان کاشت (باغ‌ها) قرار گیرد. باغ‌شهرهای ایرانی را می‌توان مجموعه کاملی دانست که با احترام کامل به بافت طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون خود شکل

می‌گیرد. چنان‌که در شهر اصفهان، شهر با ساخت محله‌های اقامتی سلطنتی و حکومتی در حاشیه شهر سلجوقی به صورت ترکیبی از باغ‌ها توسعه یافت. بدین وسیله سازندگان علاوه بر تجسم بخشیدن به مفاهیم نمادینی چون «شهر تمثیلی از بهشت»، موجبات تحوّل عظیم را در منظر شهری و کیفیت بصری آن فراهم آوردند. توصیف‌های اغلب مسافران خارجی از بعضی شهرهای آن زمان چون اصفهان مؤید این سخن است.

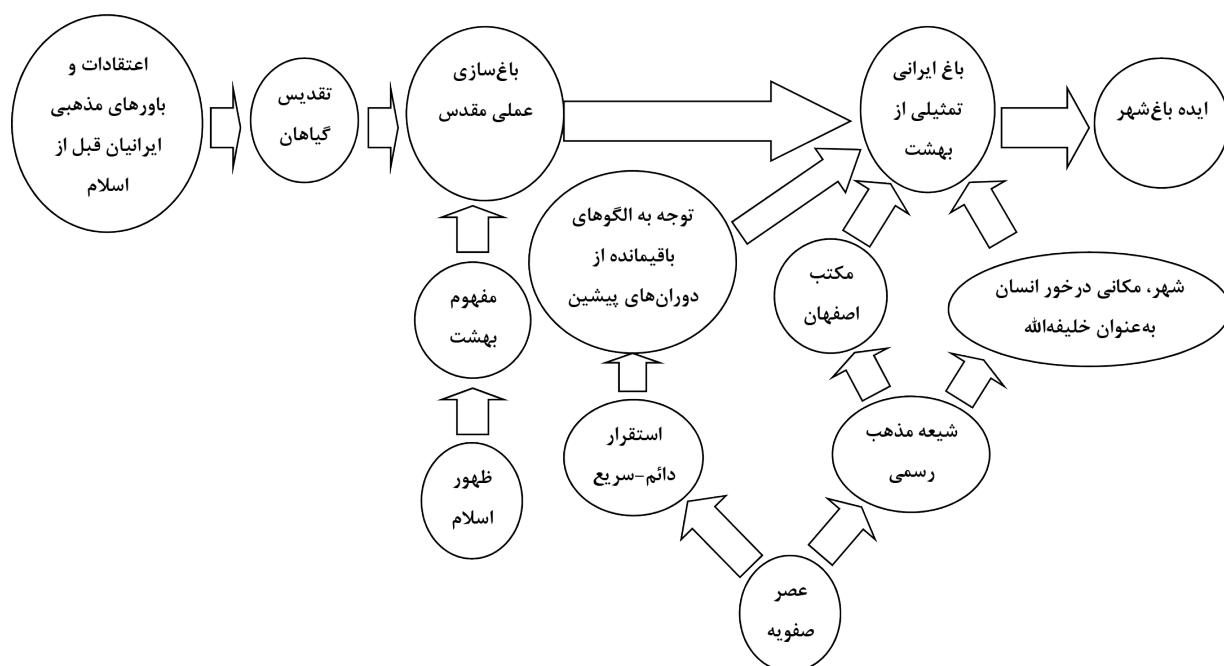
پی‌نوشت‌ها

۱. زمانی که پیامبر (ص) رحلت کردند، ابوبکر و عمر واقعه غدیر خم را نادیده گرفته، به سقیفه بنی ساعده رفتند و ابوبکر را جانشین پیامبر (ص) اعلام کردند.

۲. در موارد زیادی در نوشته‌های باقی‌مانده از عصر صفوی به صورت بهشت‌گون باغ‌ها با استفاده از عباراتی چون «بهشت‌آسی»، «روضه فیض انتما» و «جنت‌نشان» اشاره شده است: «و ترتیب عمارات عالیّه تربت شریف حضرت سلطان الاولیاء و المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری قدس سرهما و باغ بهشت‌آسی آن روضه فیض انتما، و آنچه در صفهان جنت نشان احداث فرموده‌اند...» (منشی، ۱۳۷۷: ۱۱۱-۱۱۰).

۳. در زمان شاه سلیمان (۱۱۵۰-۱۰۷۷) دستور ساختن هشت بهشت در باغ بلبل صادر شد و صراحتاً نام هشت بهشت برای آن انتخاب گردید. «سازندگان این بنا دیگر میل و هدف و آرزوی خود را از ساختن بنا مخفی نکرده بلکه رمز و راز خواست قلبی و تمایل خود را ابراز می‌کنند که چیزی نیست جز ساختن بهشت، و نام آن را هشت بهشت می‌نامند زیرا بر اساس یک حدیث نبوی برای بهشت هشت در و برای جهنم هفت در است، که بعضی افضل از بعضی دیگر است» (کامروا، ۱۳۷۴: ۳۷۲).

۴. انواع گونه‌های باغ ایرانی: باغ شهر، باغ کوشک، باغ حیاط، باغ مقبره، باغ در باغ، باغ چادر، باغ تجریر، باغ قلعه، باغ تخت، باغ وحش، باغ شکار، باغ آب، باغ ملی، باغ بیشه، باغ گیاه‌شناسی، باغ خشک (رجوع شود به: انصاری، مجتبی، ۱۳۷۸، ارزشهای باغ ایرانی (صفوی اصفهان)، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا).



نمودار شماره ۳: نمایش ارتباط ایده باغ‌شهر ایرانی در دوره صفوی با الگوی باغ ایرانی و جایگاه باورهای دینی اسلامی و شیعی در شکل‌گیری

۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ه)، تفسیر المیزان، مؤسسه علمی، بیروت.
۱۲. غلوم بیک، لیزا (۱۳۸۵)، الگوهای شهری در اصفهان پیش از صفویه، کتاب اصفهان در مطالعات ایرانی، ترجمه محمدتقی فرامرزی، جلد اول، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹هـ)، العین، به تحقیق مهدی المخرومی و ابراهیم السامرائی، ج. ۲، دار الهجر، قم.
۱۴. کامروا، محمدعلی (۱۳۷۴)، بهشت، آرمان معماری و شهرسازی اسلامی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۵. کرین، هانری (۱۳۷۹)، انسان نورانی در تصوف ایرانی، ترجمه فرامرز جواهری نیا، نشر گلبان.
۱۶. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاندار، خوارزمی، تهران.
۱۷. لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۷۲)، گوهر مراد، با مقدمه زین العابدین قربانی لاهیجی، سایه، تهران.
۱۸. منشی، اسکندربیگ (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، جلد دوم، دنیای کتاب، تهران.
۱۹. نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، معرفت و امر قدسی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
۲۰. والجر، هایدی (۱۳۸۷)، از بهشت تا پایتخت سیاسی: باغ اصفهان، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۲۱. ویلبر، دونالد (۱۳۸۵)، باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۵. آن چه در اروپا با عنوان ایده باغ شهر مطرح گردید کاملاً با ایده باغ شهر ایرانی متفاوت است. در ایده باغ شهر هاوارد از باغ‌ها و گیاهان به صورت کمربندهای سبز و در جهت جلوگیری از گسترش شهرک‌های اقماری و اتصال آن‌ها به هسته مرکزی استفاده می‌شود.
۶. باغ شهرهای تیموری (سمرقند و هرات) به وسیله ایجاد باغ‌های حکومتی در حاشیه هسته ارگانیک شهر شکل گرفته بودند و دارای طرحی از پیش اندیشیده شده در جهت ارتقای سازمان کالبدی و فضایی شهر نبوده‌اند. آن چه اهمیت داشته سامان دهی منظر بیرونی شهرهای ویران شده به دست مغول برای ایجاد پایتخت حکومتی بود.
۷. شهر محصور هرات دارای بافتی از پیش طراحی شده است، ولی بخشی که به صورت باغ شهر طراحی شده، بخش پیرامونی آن است که نظمی ارگانیک دارد.
۸. درب کوشک از محله‌هایی معروف و مشهور قدیم بود. مرحوم "جباری انصاری" این محله را از محله‌های بزرگ اصفهان می‌داند که در زمان سلاطین آق‌قویونلو محل دارالاماره آنان بود و دربار و اندرون و کاخ‌های حکومتی آنان در این محله قرار داشته است.
9. Pietro Della Valle
۱۰. بخش اول: شهر قدیم اصفهان و توسعه آن به دست شاه عباس تا دروازه حسن‌آباد در جنوب شرقی، بخش دوم شهر جدید صفوی: محله تبریز نو یا عباس‌آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم محله جلفا (ارمنی‌نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم گبرآباد در جنوب شرقی. احداث محور شمالی - جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارجریب در دامنه کوه صفه، عاملی است در جهت پیوند و اتصال بخش‌های چهارگانه شهر (نقشه شماره ۲) (دلاواله، ۱۳۸۰: ۳۵، ۳۶، ۴۹).

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آیت الهی، حبیب الله (۱۳۸۵)، «نشانه‌ها و نشانه‌شناسی هنر»، مجله فرهنگ و هنر، شماره ۳: صص ۱۱-۶.
۳. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی - اصفهان)، رساله دکتری، رشته معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۴. اهری، زهرا (۱۳۸۵)، مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری، فرهنگستان هنر، تهران.
۵. دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه و شرح از شعاع الدین شفا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶. دوست ثانی، مرتضی (۱۳۸۷)، بسسترهای فلسفی و عرفانی و فرهنگی و آرمانی شکل‌گیری شهر اصفهان، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵ تهران، فرهنگستان هنر.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ دوم از دوره جدید، دانشگاه تهران، تهران.
۸. حبیبی، محسن (۱۳۸۶)، از شار تا شهر، چاپ هفتم، دانشگاه تهران، تهران.
۹. حقیقت‌بین، مهدی (۱۳۸۹)، بررسی اصول طراحی و زیبایی‌شناختی باغ ایرانی در محورهای شاخص شهری (صفوی) و تأثیر آن بر خارج از ایران، رساله دکتری، رشته پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
۱۰. شیخ نوری، امیر (۱۳۸۹)، «چگونگی رسمیت یافتن تشیع توسط صفویان و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۳۶-۷.